

«دوزخ روی زمین» تلاشی برای شناخت هرچه بهتر نظام جمهوری اسلامی



این کتاب اثر جدید ایرج مصداقی است که به تازگی توسط انتشارات آلفابت ماکسیمیا در ۳۲۰ صفحه همراه با نقشه‌های زندان قزل‌حصار انتشار یافته است. در پیش گفتار کتاب آمده است:

فرا رسیدن سال ۱۳۸۷، یادآور پایان گرفتن سومین دهه‌ی حیات نظام جمهوری اسلامی ایران است؛ نظامی که در طول سی سال، کارنامه‌ای مشحون از بی‌عدالتی، ظلم و تباہکاری در معرض قضاوت تاریخ نهاده است. طی سه دهه‌ی گذشته رهبران و گردانندگان جمهوری اسلامی با صرف میلیاردها دلار درآمدهای نفتی و از طریق تبلیغات گسترده، خود را نماینده‌ی مسلمانان، مستضعفان و دردمندان جهان و مدافع و مبشر سرسخت اخلاق متعالی، معنویت و ارزش‌های انسانی قلمداد کردند و این که «جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه‌ی مردم جهان می‌شناسد»^۱

تدوین کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در همان ماه‌های نخست شکل‌گیری نظام، به هنگام تدوین این قانون و اصل دوم آن ضمن تأکید بر "اصول دین" اسلام، بر «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» تأکید کردند.^۲ به منظور روشن‌نگری درباره‌ی ماهیت این حکومت و میزان پایبندی مسئولان بلندپایه آن به همین قانون اساسی - که همواره آن را به عنوان میثاق ملی مورد امعان نظر قرار داده‌اند- و نیز بررسی صحت و سقم ادعاهای آنان در پاسداشت "کرامت و ارزش والای انسان" در کتاب حاضر به چگونگی برخورد حکومتگران با زنانی پرداخته می‌شود که در سال‌های دهه ۶۰ خورشیدی به دلیل فعالیت و یا گرایش سیاسی - عقیدتی‌شان در یکی از خوفناک‌ترین زندان‌های ایران اسیر بودند و تجارب تلخ و سیاهی را از سر گذراندند. در این بررسی، میزان اعتقاد و تعهد مقامات جمهوری اسلامی به مقوله‌های "سعادت انسان"، "کرامت"، "حق"، "عدل" و "آزادی" مورد توجه قرار گرفته است.

بی‌تردید شناخت دقیق مبانی عقیدتی این نظام و رفتارهای سیاسی آن و نیز روش‌های سرکوبگری‌ای که متناسب با گرایش‌های ایدئولوژیک، در مقاطع مختلف علیه شهروندان و به ویژه زنان اعمال کرده، به استنتاج دقیق‌تری از تبارشناسی این نظام ره خواهد سپرد؛ شناختی که چه بسا افکار عمومی جهان را برای داوری بی‌شائبه در قبال یکی از مرتجع‌ترین حکومت‌های تاریخ حساس‌تر از پیش کند. در همین راستا، گردآوری، بررسی و تحلیل دقیق اسناد مربوط به جنایت‌هایی که جمهوری اسلامی در زندان‌ها مرتکب شده و همچنین بررسی گوشه‌هایی از عملکرد دستگاه قضایی آن، یکی از مهم‌ترین راهکارهایی است که می‌توان با استفاده از آن نشان داد "حکومت حق و عدل" در فرهنگ لغت حاکمان ادواری نظام جمهوری اسلامی به چه معنا بوده است!

من در دهه‌ی ۶۰ خورشیدی، ده‌سال در زندان‌های اوین، قزل‌حصار و گوهردشت به سر بردم و نه تنها خود مورد شکنجه‌های سیستماتیک قرار گرفتم، بلکه از نزدیک شاهد اعمال آن بر دیگر زندانیان نیز بودم. علاوه بر تجربه‌ی شخصی و ارتباط نزدیک با صدها زندانی سیاسی زن و مرد آزاد شده، از تجربه‌ی پنج ساله‌ی همسرم در زندان‌های جمهوری اسلامی نیز برخوردار بوده‌ام و تقریباً تمامی کتاب‌های انتشار

^۱ اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی.

^۲ در قانون اساسی جمهوری اسلامی، بیش از ۲۰۰ مرتبه کلماتی مانند اسلام، خدا و... به کار رفته است.

یافته درباره‌ی زندان‌های جمهوری اسلامی را خوانده‌ام. در این تحقیق من با اتکا به پیشینه‌ی مذهبی و شناخت نسبی درباره‌ی کارکرد مذهب و چگونگی عجزین شدن آن در تاروپود فرهنگ مردم ایران، تلاش کرده‌ام آن چه را که نظام جمهوری اسلامی ایران تحت نام اسلام، قرآن و مجازات‌های شرعی در زندان قزل‌حصار بر روی گروهی از زنان زندانی اعمال کرده، به قضاوت عموم بگذارم. لازم به ذکر است که هیچ انسان مؤمن و با ایمانی حتا اگر به دنیای پُر رمز و راز مذهب که زمینه‌ی گسترده‌ای برای اندیشیدن و باز اندیشیدن و کشف و شهود دارد، انتقادی نداشته باشد، نمی‌تواند و نباید از کنار شقاوت و بربریت دینی و "نامه اعمال" کسانی که خدا و معنویت را هم، اسیر منافع و مصالح حکومت ناسوتی‌شان می‌کنند، ساده بگذرد. واپسگرایانی که بر ستم و سالوس خویش مَهَر دین می‌کوبند، "قرآن" را نیز که همانند هر متن مقدس دیگری، هرمونوتیک، قابل تفسیر و من آگاهانه بر این سیاهی نور انداخته‌ام و قصدم نه درافتادن با دین و معنویت، بلکه ریشه‌یابی "اختناق مقدس" و نقاب برداشتن از چهره‌ی هدف من در این تحقیق و بررسی، اسلام‌ستیزی نیست. برعکس عمیقاً معتقدم برای ایجاد تحولات دمکراتیک در کشورمان نیاز جدی به

روش کار:

۱- مطالعه و مراجعه به قرآن، تورات، انجیل و متون قدیم و جدید مذهب شیعه اثنی عشری و فقه اسلامی که در طول زمان به صورت روایات³ و رساله‌های عملیه و کتب فقهی از سوی علمای شیعی منتشر شده است و نیز مطالعه‌ی کتاب‌ها و نوشته‌هایی در باره‌ی قرون وسطی و شکنجه و آزار و پیگرد مسیحیان توسط کلیسای کاتولیک.

۲ - مطالعه و بررسی انواع خاطرات زندان و گردآوری نمونه‌های مرتبط با تحقیق حاضر در آن‌ها.

۳ - گفتگو با زندانیان سیاسی و عقیدتی پیشین. این گفتگوها به شیوه‌های کتبی، تلفنی و یا حضوری انجام شده است.

این تحقیق از طریق بررسی دو پدیده (شکنجه) ویژه به بازنمایی بخشی از شرایط زندان قزل‌حصار در سال‌های ۶۲-۶۳ خورشیدی و وضعیت زنان زندانی در آن مقطع می‌پردازد. یادآوری این نکته را ضروری می‌دانم که در آن سال‌ها در این زندان دو مجموعه مستقل و خارج از بندهای عمومی و تنبیهی معمول، به نام‌های "واحد مسکونی" و "بند قیامت" برای اعمال انواع شکنجه‌های جسمی و روانی به منظور ایجاد زمینه‌های درهم‌شکستن روانی زنان زندانی ایجاد شده بود.

"واحد مسکونی" محلی بود که در آن زنان اسیر مجبور شدند به مدت چهارده ماه با بازجویان و شکنجه‌گران خود به طور روزمره زندگی کنند. در این مدت انواع و اقسام شکنجه‌های روحی و جسمی، بر آن‌ها اعمال شد.

"قیامت" محلی بود که در آن زنان به مدت نه ماه در جعبه‌های تابوتی شکل و از پیش ساخته شده، مدفون می‌شدند. جعبه‌ها، گونه‌ای قبر مجازی بودند و قصد طراحان‌شان این بود که زندانیان را در آن به لحاظ روانی، مورد زجر و آزار قرار دهند. در واقع، این شکنجه را می‌توان ابزار و نمادی برای فروپاشاندن تدریجی روان زندانی توسط شکنجه‌گران به‌شمار آورد.

کتاب حاضر از دو بخش تشکیل شده است:

در بخش یکم به تشریح پس‌زمینه‌های ایدئولوژیک این نوع شکنجه‌ها برآمده‌ام و در بخش دوم به بازگویی و بیان تجربیات و خاطرات کسانی که محل‌های مذکور را از سر گذرانده‌اند، پرداخته‌ام.

در قسمت توضیح پس‌زمینه‌های ایدئولوژیک این نوع شکنجه‌ها، به تعریف و توصیف مبانی ایدئولوژیک این نوع شکنجه‌ها و آیات و روایاتی که در این زمینه در فرهنگ مذهبی - به ویژه شیعه دوازده‌امامی - وجود دارد، دست زده‌ام و سعی کرده‌ام با نگاهی موشکافانه و منصفانه به تبیین و تشریح آن‌ها بپردازم.

³ در این تحقیق در موضوعات گوناگون تنها از روایات مشهور استفاده شده است.

در بخش بیان تجربه‌ها و نمونه‌های شکنجه یا تعزیر ضمن مراجعه به خاطرات زندان، با برخی کسانی که تجربه‌ی فوق را از سر گذرانده‌اند، گفتگو به عمل آورده‌ام.

گزارش "واحد مسکونی" به مدد گفتگو و ثبت و برداشت از مشاهدات و توصیفات چهار نفر از زندانیان زن مجاهد که به مدت چهارده ماه در واحد مسکونی شکنجه‌های هولناکی را از سر گذرانده‌اند، تنظیم شده است. در این بخش همچنین نوشته‌های پراکنده‌ی سه نفر از زندانیان زن مجاهد که در یک دوره سه ماهه، شکنجه‌های طاقت‌فرسایی را از سر گذرانده‌اند، مورد توجه قرار گرفته است. شایان ذکر است که یادآوری جنایات و شکنجه‌های وحشتناک جسمی و روحی اعمال شده در واحد مسکونی، چنان دردآور و جانکاه است که متأسفانه تاکنون هیچ‌یک از زندانیانی که تجربه‌ی آن را سر گذرانده‌اند، حاضر به انتشار مستقل خاطرات خود در این باره نشده‌اند. در این گزارش تحقیقی، نظرات و برداشت‌های توأبین و کسانی که در سطوح مختلف با بازجویان در واحد مسکونی به همکاری پرداختند، نیامده است. بدون شنیدن روایت آن‌ها و نگرش‌شان نسبت به عملکردشان، این تحقیق کامل نخواهد بود. باشد که این گروه از زندانیان سابق نیز با خواندن این روایت‌ها و گزارش‌ها زبان به سخن بگشایند و از کم و کیف آنچه که به وقوع پیوسته، پرده بردارند. گزارش قبر و قیامت بر اساس خاطرات انتشار یافته، مصاحبه‌های حضوری، گفتگوی تلفنی و مکاتبه با ده زندانی کمونیست، یک زندانی سوسیال دمکرات و شش زندانی مذهبی که هر یک بین سه تا نه ماه در قبر و قیامت به سر برده‌اند، تهیه شده است.

برای تهیه این کتاب با آدرس Irajmesdaghi@yahoo.com تماس بگیرید.